



حسین آقامی گوید: هر روز بین ساعت ۷ تا ۷:۳۰ زمان استراحت دارم. خودم را به چهارراه احمدآباد می‌رسانم. شربت را می‌دهم و دوباره برمی‌گردم بیمارستان تا سرویس را ببرم.

● ○ ایستاده پای پرچم

حسین آقا خودش هم تجربه پرچم داری دارد. وقتی از او می‌پرسیم آیا تاکنون پرچم را به دست گرفته است، می‌گوید: یک بار ثبت نام کردم و نیم ساعت پای پرچم بودم. چند باری هم پرچم دار ساعت ۷ صبح به هر دلیلی نیامده بود، از خادم پرچم خواستم اجازه بدهد دقایقی پرچم داری کنم.

برای حسین آقا، این کار حال و هوای دیگری دارد و او را به یاد علم داری کر بلا و حضرت ابوالفضل عباس (ع) می‌اندازد. وقتی از او می‌خواهیم از یکی از آن لحظه‌ها بگوید، لبخند می‌زند و پاسخ می‌دهد: وقتی پرچم را به دست می‌گیرم، متوجه اطرافم نمی‌شوم. اگر بگویم زمان و مکان را فراموش می‌کنم، دروغ نگفته‌ام.

بعد ادامه می‌دهد: نیم ساعت زمان برای درددل کردن یا علم دار کر بلا، ساعت زیادی نیست. اینجا بهترین جایی است که با خودم خلوت می‌کنم، راز و نیاز می‌کنم و فقط ذکر می‌گویم.

حسین جنتی راننده مهربانی است که هر روز صبح، سرفراز قلبی خودش حاضر می‌شود

سقای پرچم داران احمدآباد

صندوق
خاطرات

صفائی ساعتش همیشه تنظیم است: بین ۷ تا ۷:۲۰ صبح. ون سفید در مسیر چهارراه احمدآباد به سمت ملک‌آباد، نزدیک تقاطع متوقف می‌شود. حسین آقا چند لیوان شربت می‌ریزد، به تعداد پرچم داران و خادمان، و به دستشان می‌دهد و دوباره سوار می‌شود. همه چیز آن قدر سریع اتفاق می‌افتد که گاهی انگار اصلاً نیامده است: فقط لیوان‌های شربت باقی می‌مانند تا حضورش را یادآوری کنند. همین رفت و آمدهای کوتاه و بی‌سرو صدا، سرانجام کنجکاوای خادمان پرچم را برانگیخت. آن‌ها می‌خواستند بدانند این مرد هر روز از کجای می‌آید و چرا خودش را به پرچم می‌رساند. نامش حسین جنتی است: راننده سرویس کادر درمان بیمارستان قائم (عج).

● ○ تا پرچم باشد، سقایی می‌کنم

اوایل سال، وقتی هوا سرد بود، حسین آقا صبح‌ها با یک لیوان دم‌نوش داغ از راه می‌رسید و آن را به دست پرچم داران می‌داد. با گرم‌تر شدن هوا، شربت جای دم‌نوش را گرفت و این روزها شربت، پای ثابت پذیرایی اوست. حسین آقا سی سال است راننده سرویس است و قرار است مهر امسال بازنشسته شود. ماجرای پذیرایی‌های او از سال ۱۴۰۳ شروع شد: زمانی که تصمیم گرفت برای رفع خستگی کادر درمان، در مسیر بیمارستان برایشان دم‌نوش ببرد. این کار کم‌کم به یک عادت تبدیل شد: عادتی که وقتی چشمش به پرچم و پرچم داران چهارراه احمدآباد



نوجوان محله مشهدقلی، ورزش، فعالیت جهادی و کتاب‌خوانی را باهم پیش می‌برد

رزمی‌کار کتاب دوست



مشغول تمرین برای مسابقات استانی هستیم.

● ○ الگویت در این رشته چه کسی است؟

بنیان‌گذار این سبک، حبیب‌الله محمدی. از زمانی که وارد این رشته شدم، مسابقاتشان را دنبال می‌کنم و طرز برخوردشان با شاگردان را دوست دارم. مربی صبور و مهربانی است.

● ○ برای آینده ورزشی‌ات چه برنامه‌ای داری؟

دوست دارم بتوانم در مسابقات بین‌المللی این رشته حضور پیدا کنم و در آینده مربی شوم.

● ○ به هم‌سن‌وسالانت چه پیشنهادی داری؟

به آن‌ها می‌گویم رشته یا مهارتی را انتخاب کنند که دوست دارند در آن موفق شوند.

● ○ در کنار درس و ورزش، فعالیت دیگری هم داری؟

امسال همراه معلمان جهادی مسجد فاطمه الزهرا (س) به دانش‌آموزانی که در بعضی درس‌ها ضعیف بودند، کمک می‌کردیم. بچه‌ها به دلیل شرایط جنگ تحمیلی افت تحصیلی داشتند. من با دانش‌آموزان کلاس‌های دوم، سوم و چهارم ریاضی و علوم کار می‌کردم.

● ○ شنیده‌ایم به کتاب‌خواندن هم علاقه زیادی داری؛ چه کتاب‌هایی می‌خوانی؟

هر ماه مبلغی را برای خرید کتاب هزینه می‌کنم. بیشتر کتاب‌هایی که می‌خرم درباره دفاع مقدس و شهیدان است. مثلاً کتاب «هواتودارم» را خیلی دوست دارم. این کتاب روایت زندگی شهید مدافع حرم، مرتضی عبداللّهی است و از زبان همسر شهید نوشته شده است. صبر و شکیبایی همسر شهید برایم خیلی ستودنی است.

میترا صدرا ورزش را با رشته ژیمناستیک شروع کرده و بعد از آن شیفته ورزش‌های رزمی به ویژه کیک بوکسینگ شده است. ریحانه ابراهیمی، نوجوان چهارده ساله محله مشهدقلی، هم در ژیمناستیک مدال طلا دارد و هم در کیک بوکسینگ توانسته مدال‌های رنگارنگ کسب کند. او همه وقتش را صرف ورزش نکرده است و فعالیت‌های دیگری هم دارد. ریحانه در ایام جنگ تحمیلی همراه مادرش و سایر معلمان جهادی مسجد فاطمه زهرا (س) محله به دانش‌آموزانی که افت تحصیلی داشتند، کمک کرده و در فعالیت‌های پایگاه بسیج مسجد هم عضو ثابت کارهاست.

● ○ چرا سراغ کیک بوکسینگ رفتی؟

همیشه از تلوویزیون ورزش‌های رزمی را دنبال می‌کردم و دوست داشتم رشته‌ای را انتخاب کنم که بتوانم با کمک آن از خودم دفاع کنم. به همین دلیل سراغ کیک بوکسینگ سبک زوران رفتم. زمانی که برای ثبت نام رفته بودیم، مربی درباره این رشته توضیحات بیشتری داد. برایم جالب بود که در این رشته فقط مبارزه یاد نمی‌گیریم و دفاع شخصی هم آموزش داده می‌شود.

● ○ ورزش چه کمکی به تو کرده است؟

دفاع از خود باعث شده اعتماد به نفسم بیشتر شود. همچنین ورزش کمک کرده است برنامه‌ریزی بیشتری داشته باشم و منظم‌تر از قبل کارهای روزانه را انجام دهم.



● ○ اولین مسابقات را یادت هست؟ چه حسی داشتی؟

مسابقات بین‌باشگاهی بود و استرس زیادی داشتم. صحبت‌های مربی‌ام خیلی کمک کرد و توانستم مقابل حریفانم پیروز شوم. در آن مسابقات با چهار نفر مسابقه دادم. در رقابت دوم، حریفم از من قد بلندتر بود و با پا ضربه‌ای محکم به فکم زد. مربی با اسپری مخصوص، درد را کمتر کرد و توانستم مسابقه را ادامه بدهم و برنده شوم.

● ○ چه مدال‌هایی در این رشته کسب کرده‌ای؟

در مسابقات قهرمانی استان در رده سنی نونهالان سال ۱۴۰۲ در وزن مثبت ۳۷ کیلوگرم مقام دوم را کسب کردم. در مسابقات بین‌باشگاهی سال گذشته نیز در وزن منفی ۵۵ کیلوگرم، مدال طلا گرفتم و